

بررسی عملکرد دولت هلند و انگلیس در خلیج فارس در دوره زندگی

کیانوش شیخی^۱، فرشته پرخاش^۲، فائزه علی پور^۳

چکیده

خلیج فارس به علت نقش موقعیت سوق الجیشی مهمی که در منطقه ایفا می‌کرد، نه تنها برای کشورهای خاورمیانه بلکه برای کشورهای اروپایی حائز اهمیت بود. لذا رقابت و برتری و در دست گرفتن تجارت در این منطقه، از زمانی که پای استعمار به این ناحیه باز شد، آغاز شد. در دوره‌ای یک کشور یک کشور استعماری موفق به به دست آوردن انحصاری تجارت در این منطقه می‌شد و در دوره‌ای نیز به علت برتری کشور رقیب، تجارت آن در منطقه، با افول مواجه می‌شد. پس از مرگ شاه عباس رقابت‌ها در این منطقه شدت بیشتری یافت. رقابتی که بین هلند و انگلیس وجود داشت، در مرحله اول باعث شد هلند در خلیج فارس به خصوص در جزیره خارک ابرقدرت شود، تجارت را به مدت چندین سال به دست بگیرد و حتی کلیسا، ساختمان‌های اداری و کوچ‌نشین ایجاد کند. در این میان درگیری‌هایی مابین دولت استعماری چون هلند، با حکومت‌های محلی چون میرمهنا رخ می‌داد که نهایتاً زیرکی و شرارت میرمهنا به حضور هلندی‌ها و قدرت بزرگ آن‌ها در جزیره خارک پایان داد؛ اما این حکومت‌های محلی برای حکومت مرکزی گاه ایجاد زحمت می‌کردند. لذا دولت مرکزی برای سرکوبی این حکومت‌های شرور و ایجاد امنیت در تجارت داخلی و خارجی و همچنین برای ایجاد امنیت در مرزها، از دولت استعماری کمک می‌گرفت. باید گفت یافته‌های پژوهش حاضر بدین قرار است؛ به دنبال امتیازاتی که هلند در خلیج فارس و به ویژه در خارک به دست آورده بود، انگلیسی‌ها نیز به دنبال چنین امتیازی بودند و در اندیشه تسلط بر خارک بودند اما دولت زندیه فرصت محقق شدن چنین اندیشه‌ای را به انگلیس نداد.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، استعمار، هلند، انگلیس، ایران.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی دانشگاه تهران، Kianoush.sheykhi@ut.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی، Fparkhash7323@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ / تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی

مقدمه

دولت‌های اروپایی طی جنگ‌های صلیبی بود که با تمدن‌های اسلامی آشنایی گسترده‌تری پیدا کردند، به‌مرور زمان به دنبال ارتباط با دولت‌های اسلامی بودند؛ بنابراین روابط سیاسی به نوعی از دوره ایلخانان مغول از سر گرفته شد و سرانجام با اکتشافات جغرافیایی که صورت گرفت، در نهایت اهمیت خلیج فارس برای دولت‌ها اروپایی آشکار شد. خلیج فارس به لحاظ سیاسی و تجاری برای دولت‌های غربی حائز اهمیت بود؛ لذا هر کدام به نوبه خود به دنبال بهره‌برداری بیشتری از این منطقه جغرافیایی بود و از طرفی دیگر راه دریایی بود که رفتن به شرق را تسهیل می‌کرد؛ بنابراین اولین دولت استعماری که به خلیج فارس وارد شد و از همان ابتدا نگاهی استعماری به این ناحیه داشت، دولت پرتغال بود که در جزیره هرمز استقرار پیدا کرد، به همان اندازه که اروپاییان به اهمیت خلیج فارس پی برده بودند، شاهان صفوی نیز به دنبال حفظ این منطقه از دست دولت‌های استعمار بودند و سعی در بهره‌برداری اقتصادی از آن را داشتند. اقداماتی که شاه‌عباس بزرگ در دوره سلطنت خود در خلیج فارس انجام داد و پرتغالی‌ها را از این ناحیه بیرون راند نیز حاکی از این امر است؛ اما اهداف دولت‌های اروپایی در خلیج فارس با بیرون‌راندن پرتغالی‌ها خاتمه پیدا نکرد و این شرایط در دوره‌های بعد ادامه پیدا کرد؛ زیرا این عامل امری اجتناب‌ناپذیر بود. در دوره افشار و زندیه نیز هر کدام از دولت‌های اروپایی خلیج فارس را به صحنه رقابت‌های خود تبدیل کرده بودند و این رقابت بین هلند و انگلیس پدید آمده بود.

در ارتباط با حضور هلند و انگلیس در خلیج فارس آثار در خور توجهی نوشته شده است در میان این آثار می‌توان به کتاب *تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه* از نصرالله فلسفی، *تاریخ سیاسی خلیج فارس* از صادق نشات، *خلیج فارس در عصر استعمار از وادالا، سیاست و اقتصاد عصر صفوی* از محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، اشاره کرد. این منابع اگرچه در جای خود حائز اهمیت هستند، اثر حاضر نیز سعی در ارائه مطالب جزئی‌تر و کامل‌تر دارد.

وجه تسمیه نام خلیج فارس

اروپاییان در نوشته‌های خود از خلیج فارس با نام‌های سینوس یا پرسیکوم‌ماره، گلف‌پرسیک یا پرسین‌گالف یاد کرده‌اند (مجتهدزاده، ۱۳۵۴: ۴۸). *المنجد* که از معروف‌ترین دائرةالمعارف‌های دنیای عرب است، سندی محکم و قابل استفاده در وجه تسمیه دریای جنوب ایران است. در کل عظمت و وسعت سرزمین پارس در منابع عربی به‌عنوان دلیلی برای توجیه وجه تسمیه دریای پارس اقامه شده است. به‌طوری‌که یونانیان باستان در مراودات دریایی و سیاسی خود با این

سرزمین به دلیل همین عظمت و وسعت و پیشرفت بود که دریای مزبور را بدان منسوب کردند. سازمان ملل متحد که ۲۲ کشور عربی را عضو دارد در سه نوبت نام رسمی و تغییرناپذیر دریای میان ایران و شبه‌جزیره عربستان را رسماً خلیج فارس اعلام کرد. از ابتدای قرن بیست تا سال ۱۹۶۲ هیچ تردیدی در آثار مکتوب عربی، در مورد فارسی خواندن دریا یا خلیج جداکننده ایران از شبه‌جزیره عربستان وجود نداشت. از سال ۱۹۶۲ م نغمه‌های تازه‌ای برای دگرگون کردن نام خلیج فارس در دنیای عرب رواج پیدا کرد. بعضی از نویسندگان ایرانی بر این گمان شدند که این فکر را اولین بار سرچارلز بلگریو انگلیسی در سال ۱۹۶۶ م مطرح کرد و آن را به وزارت خارجه بریتانیا پیشنهاد کرد متعاقب آن برخی دوایر محلی کشورهای حاشیه خلیج فارس همانند اداره پست بحرین را تشویق کرد تا نام ساختگی و جعلی را مورد استفاده قرار دهند. در سال ۱۹۵۶ سرهنگ عبدالکریم قاسم پس از به قدرت رسیدن توسط کودتا در عراق برای جلب اندیشه‌های عربی بر این گمان شد که با دگرگون کردن نام خلیج فارس و عربستان خواندن خوزستان، دشمن خارجی جدیدی از همسایه ایران برای اعراب بتراشد، در این راستا برخی از سیاست‌بازان دنیای عرب را با خود همراه کرد (اسدی، ۱۳۶۸: ۱۱).

موقعیت جغرافیایی خلیج فارس

این منطقه جغرافیایی طی دوره سوم زمین‌شناسی، حدود سی سال میلیون پیش به وجود آمده است. زمین‌شناسان بر این عقیده‌اند که وسعت خلیج فارس حدود دو برابر وسعت کنونی آن بوده است و رودهای دجله و فرات به آن وصل می‌شده‌اند (الهی، ۱۳۷۰: ۱۰). این منطقه از اروندرود تا عمان کشیده شده است و به وسیله تنگه هرمز به دریای عمان راه پیدا می‌کند، سپس با اقیانوس هند و سایر آب‌های جهان مرتبط می‌شود. درباره حدود تقریبی خلیج فارس باید گفت، از دهانه اروندرود تا ساحل عمان حدود هشتصد کیلومتر است در واقع، این اندازه در منابع مختلف متفاوت است. از طرفی از خرمشهر تا تنگه هرمز ۱۲۹۰ کیلومتر است. عرض آن در منطبق مختلف از ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر متغیر است (همان، ۱۱) و در تنگه هرمز به حداقل خود یعنی ۴۶ کیلومتر می‌رسد (اقتداری، ۱۳۴۵: ۹). درباره سطح آب‌های خلیج فارس باید گفت که حدود ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع است و عمق آن به ۱۰۰ متر می‌رسد که عمق آن در بعضی از سواحل خوزستان تا ۲۵ متر هم کاهش کاهش پیدا می‌کند، در دهانه اروندرود به ۳۶ متر می‌رسد (همان، ۱). قسمت شمالی آنکه از اروندرود تا بندرعباس را شامل می‌شود، حدود ۱۲۹۵ کیلومتر است (الهی، ۱۳۷۰: ۱۴). یکی از نواحی که در همسایگی خلیج فارس قرار دارد، سواحل عراق در این منطقه است که حدود هشتاد کیلومتر مربع است که به نوعی میان خور عبدالله و جزیره آبادان قرار دارد. پس از سواحل عراق

سواحل کویت قرار دارد که حدود ۶۰ کیلومتر است. منطقه بی طرف میان کویت و سواحل عربستان در خلیج ۷۲ کیلومتر است. سواحل عربستان سعودی حدود چهارصد کیلومتر در خلیج فارس است که در قدیم الحساء خوانده می شد. قطر نیز حدود ۵۳۶ کیلومتر از سواحل خلیج را دربرمی گیرد. سواحل امارات متحده حدود هشتاد کیلومتر طول دارد.

پدیده استعمار

طی جنگ های صلیبی بود که اروپاییان با تمدن های اسلامی آشنایی بیشتری نسبت به قبل پیدا کردند. لذا به دنبال روابط هرچه بیشتر سیاسی و تجاری بودند، به دنبال این روابط گسترش یافت؛ بنابراین تا زمانی که خلافت عباسی پابرجا بود، تجارت اروپا با ممالک شرقی رونقی نداشت، اما با از بین رفتن خلافت اسلامی تجارت اروپا با آسیا گسترش پیدا کرد، بدین معنا که پادشاهان اروپایی و پاپ، سفیرانی به دربار مغولان می فرستادند و بدین ترتیب بازار تجارت میان اروپا با آسیای غربی، ایران و چین رونق گرفت (فلسفی، ۱۳۶۰؛ ۲۱). بازرگانان ونیزی که سود سرشاری از فروش کالاهای مشرق زمین می بردند با ایلخانان مغول در ایران رابطه تجاری داشتند؛ ولی این تجارت با ظهور تیمور گورکانی از میان رفت و فتح قسطنطنیه به دست عثمانی ها مشکل تجارت میان غرب و آسیا را به نهایت رساند (نشأت، ۱۳۴۵؛ ۹۵). تنها اروپاییان می توانستند از طریق اسکندریه مصر و دریای سرخ با آسیا رابطه برقرار کنند که این منطقه هم در دست ممالک مصر قرار داشت (ویلسون، ۱۳۴۶؛ ۱۲۲). به طوری که آن ها همچون سدی استوار بر سر راه شرق بودند (مادهوا، ۱۳۴۷؛ ۱۴)؛ بنابراین اروپاییان برای دست یافتن به کالاهای شرق باید دنبال راه دیگری می بودند که نتیجه آن یافتن راه دریایی دیگری از طریق دماغه امیدنیک بود (فلسفی، ۱۳۶۰؛ ۳). اولین کسی که از این دماغه عبور کرد، واسکودوگاما دریانورد پرتغالی بود که در سال ۱۴۹۸م. نزدیک بندر کلکته لنگر انداخت (جوهری، ۱۳۷۴؛ ۱۰۱). بدین طریق بود که راه استعمار پرتغال به در شرق باز شد (ویلسون، ۱۳۴۶؛ ۱۲۵ و ۱۲۴).

قبل از آمدن پرتغالی ها تجارت دریای شرق در دست اعراب بود که پرتغالی ها آن را با توسل به سلاح آتشین از چنگ آن ها بیرون ساختند و تا مدت یک قرن آن را در تصرف خود نگه داشتند (همان منبع). پرتغالی ها که با آرمان های مذهبی و اقتصادی وارد میدان شده بودند، می خواستند با قدرت سیاسی اسلام بکنند و انجیل را در دنیا نشر دهند و همچنین تجارت ادویه را به خود اختصاص دهند. موقعیت سوق الجیشی مسقط، ثروت و جلال جزیره هرمز، مروارید بحرین و اقسام متعدد و گوناگون کالاهای ایران و بین النهرین موجب روی آوردن پرتغالی ها به خلیج فارس شد (وادالا، ۱۳۶۴: ۳۹). آن ها می خواستند با تسلط بر این منطقه مهم سلطه و اقتدار خود در هند و

اندونزی را تضمین کنند و در عین حال تجارت ابریشم و فروش ادویه در این منطقه را به خود اختصاص دهند (نشأت، ۱۳۴۵؛ ۱۰۳).

در آغاز حکومت صفوی پرتغالی‌ها اولین دولت استعماری در خلیج فارس بودند به طوری که آن‌ها تعیین کردند که هیچ‌یک از کشتی‌های بومی بدون اجازه مخصوص آن‌ها نباید در خلیج فارس تجارت کنند. علاوه بر این، آن‌ها در نقطه‌ای سوق‌الجیشی در جزیره هرمز قلعه نظامی مستحکمی ساختند. پرتغالی‌ها در قرن شانزدهم میلادی تمام گمرکات خلیج فارس را در دست داشتند و در واقع، در این زمان صاحب واقعی هرمز بودند. پرتغالیان به هیچ‌یک از تجار ایران اجازه نمی‌دادند که محصولات ایران به‌ویژه ابریشم را بدون واسطه ایشان به هندوستان یا اروپا بفرستند. با این اوضاع برای بازرگانان ایران یک راه باقی می‌ماند و آن عبور از کشور عثمانی بود که خالی از اشکال و گرفتاری نبود؛ بنابراین، ابتدا باید مبلغ معتنا بهی حق گمرکی می‌دادند، دوم اینکه در مواقع بروز جنگ میان ایران و عثمانی به طور طبیعی این راه مسدود می‌شد؛ سوم، نامنی که راهزنان به وجود می‌آوردند (نشأت، ۱۳۴۵؛ ۱۳۰ و ۱۲۹).

پرتغالی‌ها پس از تصرف نهایی هرمز در سال ۱۵۱۵م. پس از حدود یک قرن تجارت فارس را با استفاده از نیروی نظامی در اختیار خود داشتند تا اینکه شاه‌عباس اول صفوی در ایران بر سریر حکومت نشست. وی که فردی سیاست‌مدار بود، امنیت سراسر ایران را اعاده کرد و دیری نگذشت که آوازه اقتدار و امنیت کشورش در دنیای آن روز پیچید، لذا سیاحان، مبلغین مذهبی و بازرگانان به سوی ایران روانه شدند. رابطه خوبی که او با اتباع مسیحی خود داشت، راهگشای رابطه حسنه وی با دول اروپایی بود. از آنجاکه مسیحیان ایران با اروپاییان هم‌کیش بودند و زبان آن‌ها را می‌فهمیدند و از طرف دیگر چون آن‌ها قومی مرزنشین و بالطبع دارای استعداد بازرگانی خوبی بودند، خیلی خوب می‌توانستند در جهت پیشبرد اهداف شاه‌عباس استفاده شوند، به همین دلیل بود که شاه‌عباس دست آن‌ها را در تجارت بازگذاشت و موجبات ترقی و پیشرفت آن‌ها را در تجارت فراهم آورد و بدین صورت باعث ترقی تجارت در مملکت خود شد. عامل دیگری که توجه اروپاییان را به ایران جلب می‌کرد، دشمنی صفویان با عثمانی‌ها بود. این به معنای دوستی با دول اروپایی بود که با عثمانی در اروپا درگیر جنگ بودند، همین امر کشورهایی نظیر انگلستان و هلند را بر آن داشت تا خواهان رابطه تجاری و احیاناً سیاسی با ایران باشند (همان، ۱۰۳).

بخش اکثر تجارت خلیج فارس را ابریشم، مروارید، سنگ‌های قیمتی و ادویه تشکیل می‌داد. اروپاییان ابریشم را با ماهوت و ادویه مبادله می‌کردند (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷؛ ۱۱۵ و ۱۱۶)؛ اما پرتغالی‌ها مانع از تجارت آزاد در خلیج فارس بودند و به همین علت شاه‌عباس را علیه خود برانگیختند بیرون راندن پرتغالی‌ها از خلیج فارس به سود رقیبان انگلیسی تمام می‌شد. جزیره بحرین

که از اواسط قرن دهم در قلمرو حکومت هرمز جزء حوزه نفوذ پرتغالی‌ها بود، در سال ۱۰۱۰ ه. ق. دست به طغیان زد؛ بنابراین حاکم آن دوره بحرین، از الله‌وردی خان امیرالامرای فارس کمک گرفت. وی هم که مدت‌ها منتظر این فرصت بود سپاهی را به بحرین برای کمک فرستاد و در نهایت پرتغالی‌ها از بحرین بیرون رانده شدند و آنجا ضمیمه فارس شد (فلسفی، ۱۳۶۰؛ ۳۴ و ۳۵). بعد از تصرف بحرین پرتغالی‌ها نسبت به ساحل‌نشینان ایران اعمال بدرفتاری کردند که در نهایت این عامل باعث تصرف بندرگمبرون توسط شاه‌عباس شد. در واقع، این کار توسط امام‌قلی‌خان صورت گرفت (منبع). در سال‌های ۱۰۲۱ ه. ق و ۱۰۲۴ ناوگان دریایی پرتغالی‌ها در نزدیکی بندر سورت از قوای دریایی انگلیس شکست سختی خورد و از طرفی هم در همین سال‌ها کشور پرتغال تحت تسلط اسپانیا در آمده بود. در همین دوره بود که شاه‌عباس با عثمانی‌ها در حال صلح بود (همان، ۵۴)؛ اما در سال‌های ۱۶۲۲ م. ایرانی‌ها با ناوهای انگلیسی قلعه پرتغالی‌ها در قشم را تصرف کردند و به طرف هرمز پیش رفتند. سرانجام هرمز از دست پرتغالی‌ها خارج شد و آن‌ها به سمت مسقط پیشروی کردند (همان، ۶۶).

حضور هلند در خلیج فارس

پس از مرگ شاه‌عباس دولت هلند به حمایت از کمپانی‌های خود و رقابت با دولت انگلیس پرداخت. در سال ۱۰۳۵ ه. ق با جنگ دریایی که بین هلند و انگلیس در خلیج فارس رخ داد، در واقع، اوج این رقابت‌ها بود. باشکستی که هلندی‌ها به انگلیسی‌ها وارد ساخته بودند توانستند برای مدتی در این رقابت پیش آمده جلو باشند. آن‌ها تا سال ۱۶۸۰ م قدرتی مشابه قدرت یک صد سال پیش پرتغالی‌ها را در خلیج فارس به دست آوردند. هلندی‌ها پیش از اینک تجارتخانه خود را در بندرعباس به سال ۱۰۳۳ ه. ق. بازکنند، شعبه‌ای در بصره دایر کردند و به تجارت از راه حلب پرداختند. آن‌ها در سال ۱۱۶۰ ه. ق تجارت خانه خود را در بوشهر که برای مدتی تعطیل کرده بودند، مجدداً بازگشایی کردند، اما در سال ۱۱۶۰ بود که هلندی‌ها به حضور خود در بندرعباس پایان دادند. بندرعباس به لحاظ بازرگانی و اداری مهم‌ترین پایگاه در خلیج فارس بود و نشیمن گاه هیئت ایرانی (واک) به شمار می‌آمد (فلور، ۱۳۷۱؛ ۱۷۸).

هلندی‌ها بعد از مدت‌ها حضور در بندرعباس، به واسطه اغتشاش و ناامنی مجبور شدند که دفتر تجاری خود را موقتاً به بصره انتقال دهند. در سال ۱۱۶۷ ه. ق. بارون کنیپ هاووزن که در کمپانی هند شرقی هلند بود، بر اثر توطئه و تحریک از سوی دولت عثمانی و با حمایت کمپانی هند شرقی انگلیس که هلندی‌ها را رقبای تجاری خود قلمداد می‌کردند، مجبور به خروج از بصره شد (همان، ۲۱). هاووزن در راه بازگشت به باتاویا، در راه خود به بندر ریگ رفت و از پیشنهاد میرناصر استفاده

کرد و با حمایت رؤسایش در باتاویا در سال ۱۱۶۷ ه. ق. به ایران مراجعت کرد و پایگاه هلندی قدرتمندی در خارک ایجاد کرد (پری، ۱۳۶۸: ۲۲۸). هاوزن در اثبات پیشنهاد خود مبنی بر انتخاب جزیره خارک، چند دلیل را مطرح می‌نماید؛ اول اینکه، حکومت‌های بصره و بوشهر به انواع اخاذی‌ها و تخلف‌ها نسبت به بازرگانان اقدام کرده‌اند و بازرگانان محلی بوشهر هم به لحاظ بدحسابی همسان بازرگانان بصره‌اند؛ لذا مصرف کالاهای هلندی در بصره و بوشهر کم است و بهترین مکان برای تجارت خانه هلند خارک است. هاوزن پس از اینکه بر جزیره خارک تسلط پیدا کرد، از جمله اقداماتی که انجام داد؛ برپایی پادگان نظامی بود و مالایی‌ها و چینی‌ها را برای کارهای کشاورزی، مسیحیان و ارمنی‌ها را برای کارهای تجاری تشویق کرد تا اینکه به جزیره خارک بیایند. تا بدین صورت تجارت و اقتصاد جزیره خارک را در دست خود داشته باشند. حاکم هلندی در خارک توانست یک کوچ‌نشین به وجود آورد. پس از آن هلندی‌ها پس از سه سال اقامت در جزیره خارک توانستند یک نمایندگی که مشتمل بر خانه‌ای اسقفی و کلیسایی می‌شد، به وجود آورند. حاکم هلندی به عیسویان اجازه داد تا در جزیره خانه بسازند. سیاست‌گذاری خارک تصمیم گرفت که تجارت خانه خارک را به سبب زبانی که در عملکرد خود داشته تعطیل کند، اما در نهایت مقرر شد که هزینه‌های تجارت خانه خارک را تا ۵۰ درصد کاهش دهند و از تعداد کارکنان آن کاسته شود. تا بدین طریق سود بیشتری به دست آید (فلور، ۱۳۷۱؛ ۲۱).

هلندی‌ها هرگز طرح بزرگی برای چیرگی بر خلیج فارس نداشتند. هرچند که هاوزن چنین اندیشه‌ای را در سر می‌پروراند، اما کسانی که در آمستردام و باتاویا بودند با او هم داستان نشدند. دوران جانشینان هاوزن روابط هلند با میرمهنای بندر ریگی به تیرگی کشیده شد و آخرین ضربه در دوره هوتینگ آخرین حاکم هلندی جزیره خارک وارد شد و تجارت آن‌ها برای همیشه از این منطقه رخت برچید. هاوزن پس از اختلاف با حاکم بصره به بندر ریگ آمد و از سوی حکمران آنجا پذیرفته شد و جزیره خارک که زیر سلطه بندر ریگ بود، به‌عنوان پایگاهی تجاری در اختیار هلندی‌ها قرار گرفت.

بعد از قتل میرناصر و میرحسین فرزندش به دست میرمهنای هلندی‌ها مدت‌ها بود که در جزیره خارک مستقر بودند. آنان با جانشینان میر ناصر روبرو بودند، میرمهنای علی‌رغم شرارتی که داشت نمی‌توانست علیه هلندی‌ها اقداماتی را انجام دهد (فلور، ۱۳۷۱؛ ۲۳). او می‌خواست به هر طریقی که شده از هلندی‌ها و هاوزن انتقام بگیرد. برای نائل‌شدن به این هدف در سال ۱۱۷۱ ه. ق کریم‌خان زند را به تاختن بر علیه هلندی‌ها در جزیره خارک تشویق و ترغیب کرد؛ اما در این سیاست هم با شکست مواجه شد (تی‌بور، ۱۳۵۴؛ ۱۸۳). وقتی که هاوزن خارک را ترک کرد، آنجا را به دست اولین جانشین خود واندرهولست و بعد بوشمان سپرد. میرمهنای در دوره هولست تلاش

زیادی کرد تا ضربه سختی را بر هلندی‌ها وارد کند، زمانی که حاکم بندر ریگ در صدد برآمد تا به تسلط هلندی‌ها بر جزیره خارک پایان دهد، در آخرین روزهای دوره هوتینگ که تجربه کافی را برای رودرویی با میرمهنا نداشت، میرمهنا و یارانش در جزیره خارگو در شمال غربی جزیره خارک مستقر شده بودند و گاه و بی‌گاه به استحکامات هلندی‌ها هجوم می‌آوردند، در نهایت دژ موسلستاین را محاصره کردند و به بهانه‌ای حاکم را از دژ بیرون کشیدند و وی را به اسارت گرفتند (نامی، ۶۳). میرمهنا هلندی‌ها را مجبور به ترک دژ کرد.

کارستن تی‌بور در اثر خود می‌آورد: استحکامات خارک خیلی خوب بود، هلندی‌ها ۹۰ تا ۱۰۰ نفر برای دفاع از قلعه داشتند و علاوه بر این ۴۰ تا ۵۰ ملوان دریایی در کلابیط‌های آن‌ها خدمت می‌کرد؛ اما چیزی که هلندی‌ها نداشتند یک رهبر بود (تی‌بور، ۱۳۵۴: ۱۸۵). تی‌بور در شکست هلندی‌ها عواملی را مؤثر می‌داند؛ سفر بوشمان به باتاویا، جانشینی هوتینگ، بازگشت ناخدا پرایس فرمانده نیروهای انگلیسی به هندوستان، اتحاد ناگزیر هلندی‌ها با شیخ بوشهر که دشمن آن‌ها بود و عدم اتحاد و اتفاق بین متحدین است. این موارد باعث شد تا نهایتاً میرمهنا با یاری یک ایرانی قلعه و تمام جزیره و همچنین مقدار زیادی کالاهای تازه را که از باتاویا رسیده بود به تصرف در آورد به این ترتیب جزیره خارک را هم به دست آورد. با سقوط دژ موسلستان در ۱۱۸۰ ه. ق بنا بر گفته مؤلف گیتی‌گشا باقی‌مانده هلندی‌ها خود را با زحمت زیادی به مأمی رساندند. بعد از این واقعه بود که نقش هلندی‌ها برای همیشه در خلیج فارس پایان یافت (نامی، ۶۴). سلطه هلندی‌ها که آغازین سال‌های سده هفدهم میلادی آغاز شده بود، پایان داده شد و در نتیجه یکی دیگر از رقبای نیرومند انگلیسی از منطقه خلیج فارس خارج شد.

در ادامه ناامنی‌هایی که میرمهنا در دریا و خشکی به وجود آورده بود، خان زند به این نتیجه رسید که وی را سرکوب کند، بنابراین سپاهی برای سرنگون کردن وی روانه بندر ریگ کرد (پری، ۱۳۶۸: ۱۱۰). میرمهنا در سال ۱۱۶۹ ه. ق تأسیسات بازرگانی انگلیسی‌ها را در بندر ریگ ویران ساخت؛ لذا برای سرکوب میرمهنا علاوه بر دولت ایران، دولت عثمانی که از ناحیه بصره دچار زیان‌هایی از سوی میرمهنا شده بود و دولت انگلیس که تجارتش دچار آسیب‌هایی شد، تمایل نشان می‌دادند (رجبی، ۹۶)؛ بنابراین خان زند برای اینکه از حمایت انگلیسی‌ها برای سرکوبی میرمهنا بهره ببرد، مقرر شد که در صورت سرکوبی میرمهنا، جزیره خارک را به انگلیسی‌ها واگذار کند (شعبانی، ۱۳۷۱: ۱۹۳) و نهایتاً سپاه زند میرمهنا و یارانش را در دریا شکست دادند (ملکم، ۱۳۶۲: ۲۸۲).

حضور انگلیس در خلیج فارس

خان زند در شمال با روس‌ها و در جنوب و غرب با عثمانی و در شرق با حکومت شاهرخ در ارتباط بود، چون کمپانی هند شرقی در هندوستان، به پیشرفت‌هایی دست پیدا کرده بود؛ لذا خان زند تنها راه نجات تجارت ایران را در ارتباط برقرار کردن با انگلیس می‌دید و از طرف دیگر در این اندیشه بود که از امکانات انگلیسی‌ها در سرکوب سران قبیله‌ها که سر به شورش برداشته بودند، بهره بگیرند (امانی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بعد از مرگ نادرشاه افشار کمپانی هند شرقی انگلیس تحت تأثیر رویدادهای واقع در ایران قرار گرفت که سران قبایل در گوشه‌کنار ایران سر به شورش برداشته بودند. بر اثر این شورش‌ها بود که بعضی از بازرگانان به دلیل ناامنی که حاکم شده بود بندرهای ایران را به مقصد بصره ترک کردند و کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس حالتی نیمه تعطیل به خود گرفت (پری، ۱۳۶۸: ۳۵۸). هم‌زمان با این آشوب‌ها، به دفتر کمپانی در اصفهان و کرمان حمله شد و اموال آنجا غارت شد. نمایندگی کمپانی در بندرعباس به نمایندگی در بمبئی پیشنهاد داد تا نمایندگی از بندرعباس به جزیره‌ای امن‌تر مانند قشم منتقل و چند کشتی از ناوگان دریایی نادر برای جبران خسارت حمله به دفتر کمپانی در اصفهان و کرمان صادره شود؛ اما شورای کمپانی در بمبئی این کار را با اهداف تجاری خود در ایران مغایر دانست و به دلیل ترس از تداوم تهاجم اعراب به مقر کمپانی با این پیشنهاد مخالفت کرد. با به‌قدرت‌رسیدن کریم‌خان زند به نوعی امنیت نسبی در شهرهای ایران برقرار شد و فعالیت‌های اقتصادی در داخل کشور به‌خصوص در بخش‌های جنوب ایران رونق گرفت.

کمپانی هند شرقی انگلیس با ارتباطی که از زمان صفویه با بازرگانان و بازار ایران برقرار کرده بود و بندر جاسک اولین پایگاه دریایی انگلستان در در نزدیک تنگه هرمز انتخاب شد (توانی، ۱۳۷۷: ۱۴۳)؛ اما در دوران کریم‌خان زند نگرانی‌های جدی و جدیدی در پیشروی کمپانی قرار گرفت که از یک طرف فعالیت بازرگانی انگلیسی شرکت لوانت و از سوی دیگر رقابت کمپانی هند شرقی هلند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۲۹۵) که در خارک مستقر شده بود، این نگرانی را بیشتر می‌کرد و سبب شد که کمپانی دفتر نمایندگی خود را از بندرعباس به جزیره‌ای در همسایگی نمایندگی هلندیان در بندر ریگ انتقال دهد که این جابه‌جایی نیز با مانع بزرگی یعنی حضور بازرگانان هلندی در بندر ریگ روبرو بود. میرمهنا پس از قتل میرحسین، دفتر کمپانی هند شرقی انگلیس را در این بندر تصرف کرد تا جایی که اعضای آن ناچار شدند در ۱۱۶۹ ه. ق با وجود موقعیت نامناسب بندرعباس به این بندر باز گردند. در همین زمان حاکم بندرعباس قید کرد در صورتی آن‌ها را می‌پذیرد که به خواسته‌های وی جامه عمل بپوشانند (شعبانی، ۱۳۷۸: ۴۶۲). با توقف صدور پشم به خارج از بندرعباس، موقعیت اقتصادی این بندر متزلزل شد؛ بنابراین بازرگانان این ناحیه به

بوشهر و بصره رفتند. چند سال بعد ناوگان دریایی کمپانی هند شرقی فرانسه به دفتر نمایندگی کمپانی هند شرقی انگلیس حمله کردند و بعد از آتش کشیدن این دفتر بندر را ترک کردند (پری، ۱۳۶۸: ۳۶۰). یک سال بعد اهالی جزیره هرمز با ایجاد آشوب‌های قبیله‌ای شورش کردند که بر اثر آن ملاعلی شاه از کار بر کنار شد. جعفرخان حاکم جدید بندرعباس نمی‌توانست از منافع کمپانی حمایت کند، وی تمایل به تصرف آن داشت، نهایتاً جمعیت بندرعباس به علت تشدید ناامنی و شورش‌های داخلی (آلفونس، ۱۳۶۸: ۱۷۹). این وضع باعث شد نماینده کمپانی در بندرعباس دفتر کمپانی را تعطیل کند.

از جمله اجناسی که از ایران مورد پسند کمپانی‌های اروپایی بود، پشم کرمان بود (امین، ۷۱). این پشم از راور تهیه می‌شد و در هر فصل قیمت آن نسبت به فصلی دیگر متفاوت می‌بود، وقتی کمپانی یک در یافتن بازارهای مناسب مصرف برای محصولات پشمی انگلستان دچار مشکل شد، ایران این مشکل را برایش حل کرد (اسدپور، ۱۳۸۷: ۲۹۴) و بازار مصرف مناسبی در اختیارش گذاشت. به طوری که شاهرخ برای خرید لباس موردنیاز سپاهیان‌ش پارچه پشمی نیاز داشت و سفارش‌های متعدد به انگلیسی‌ها می‌داد، این امر تجارت آن‌ها را رونق بخشیده بود (فلور، ۱۳۷۱؛ ۱۸۷). یکی دیگر از کالاهایی که به کمپانی‌های اروپایی صادر می‌شد ابریشم گیلان بود که از طریق خلیج فارس به هندوستان صادر می‌شد. انگلیسی‌ها ابریشم را با قیمت مناسب و ارزانی از ایرانی‌ها تهیه می‌کردند و وقتی به کارخانه‌های ابریشم می‌رسید، به لحاظ کیفیت با محصولات فرانسه رقابت می‌کرد. گرچه از آغاز تأسیس کمپانی هند شرقی به فرمان ملکه الیزابت (ویلسون، ۱۳۴۸: ۱۵)، در سال ۱۶۰۰ م صادرات ابریشم از راه بندرعباس به اروپا همواره یکی از منبع اصلی درآمد این شرکت بود. شرکت بازرگانی لوانت در صدور این کالا به انگلیس عرصه را بر کمپانی تنگ کرد و در اصل وارد کننده اصلی ابریشم ایران انگلیس بود (امین، ۱۳۷۰: ۷۶).

کمپانی انگلیس علاوه بر رقابت‌هایی که با هلند و فرانسه داشت با کمپانی دیگر انگلیسی به نام لوانت نیز رقابت می‌کرد، کمپانی خاور نزدیک لوانت با هدف پر کردن بازارهای انگلیسی از کالاهای شرق و از جمله ادویه، جواهرات، عطر، پنبه و ابریشم در منطقه حضور فعال داشتند (همان، ۱۷۰). وقتی که تعداد شرکت‌های بازرگانی انگلیس زیاد شد، این شرکت‌ها ناچار اختلاف‌های خود را حل و شرکت‌هایشان را در کمپانی متحد بازرگانی انگلیس، فعال در آسیای جنوب شرقی ادغام کردند، تا اینکه از این طریق بتوانند در رقابت با کمپانی هند شرقی هلند و فرانسه از منافع موجود در منطقه خلیج فارس بیشتر بهره‌برداری کنند، برای اولین بار ریچارد استیل تجارت با ایران را به شرکت ایک توصیه کرد (نوابی، ۱۳۷۷: ۱۴۳). در این زمان رقابت میان بازرگانان انگلیس و هلند کاهش یافت؛ زیرا سیاست‌های توسعه‌طلبانه لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه، در اروپا باعث شد که هلند و انگلیس

در برابر فرانسه جبهه مشترک سیاسی و نظامی تشکیل دهند و از رقابت با یکدیگر دست بردارند. کمپانی در سال ۱۱۰۵ ق که شاه سلیمان صفوی درگذشت. توانست امتیازهای گذشته را که از دست داده بود دوباره به دست آورد. لذا دفترهای کمپانی را در اصفهان و شیراز پس گرفت و از پرداخت راهداری معاف شد، سهم کمپانی را از حقوق گمرکی بندر گمبرون دریافت کرد و حق صدور اسب و خرید پشم کرمان را به دست آورد (سیوری، ۱۳۷۷: ۱۸۵).

نماینده کمپانی انگلیس واگلاس در بندرعباس در سال ۱۱۷۵ ه. ق به دستور مقامات کمپانی وقتی که از بصره به بندرعباس می‌رفت، از بوشهر دیدن کرد، شیخ ناصر از وی خواست تا اعلام کند که برای تأمین دفتر تجاری در بوشهر آمادگی دارد. شیخ ناصر در برنامه‌های بعدی به واگلاس اعلام کرد که در صورت تأسیس نمایندگی در بوشهر، هرگونه امتیازی از جمله معافیت‌های گمرکی و مالیاتی به آن‌ها خواهد داد. واگلاس نیز در نوشته‌های خود نوشت بوشهر به دلیل نزدیکی به شیراز موقعیت مناسب‌تری نسبت به اصفهان دارد (امین، ۲۶۸). هیئت‌مدیره کمپانی با توجه به گزارش‌هایی که از اشتیاق بازرگانان ایرانی برای خرید پاره‌های تولید کمپانی دریافت کرده بود، به درخواست حاکم بوشهر پاسخ مثبت داد (اسدپور، ۱۳۸۷: ۲۹۸). یک سال بعد شورای کمپانی در بمبئی، با اعلام آمادگی شیخ ناصر و نظر مثبت واگلاس درباره تأسیس دفتر کمپانی در بوشهر، با توجه به آنکه نوشته بود شیخ بوشهر آدم خوبی است که علاقه‌مند به انگلیسی‌ها و دشمن میرمهنا است، دستور داد پیش از بستن قرارداد با حاکم بوشهر کالاهای کمپانی برای یک سال با سرپرستی واگلاس و یا دیموک لستر معاون نمایندگی بصره به بوشهر سفر کرد. خان زند شیخ سعدون را برای مذاکره با شرکت ایک تشویق کرد (پری، ۱۳۶۸: ۳۶۵). وقتی که پرایس در سال ۱۱۷۷ ق با کشتی تاتار به بوشهر رسید شیخ سعدون و شیخ ناصر به دعوت کریم‌خان زند برای سرکوبی میرمهنا به بندر ریگ رفته بودند. در هنگام مذاکره با توجه به درخواست کمپانی مبنی بر اینکه انحصار تجارت کالاهای پشمی باید به کمپانی انگلیسی سپرده شود. فرزند شیخ به پرایس اعلام کرد که در این باره نمی‌تواند تصمیمی بگیرد؛ زیرا ناراحتی هلندی‌ها را در پی دارد. عدم شناخت شورای پرایس از وضعیت ایران و حکومت زندیه را می‌توان در امضای قرارداد با برادر حاکم بوشهر مشاهده کرد؛ آن‌ها بدون اجازه کریم‌خان زند با حاکم بوشهر توافق نامه‌ای را امضا کردند که محتوای آن با توجه به موقعیت تجاری بوشهر به کل تجارت ایران ارتباط پیدا می‌کرد و اینکه چگونه شیخ بوشهر بدون مشورت دربار زند چنین قرارداد رسمی را امضا کرد. چندان تعجب‌برانگیز نیست چون وی در گذشته چنین دعوتی از کمپانی هند کرده بود. شیخ سعدون فردی سیاستمدار و از شرایط و نفوذ تجاری انگلیسی‌ها مطلع بود (اسدپور، ۱۳۸۷: ۲۶۰). تعامل کمپانی با حاکمان محلی بدون دخالت و نظارت حکومت مرکزی ایران بر اساس الگویی بود که مقامات کمپانی از هند اقتباس کرده

بودند که با حاکمان و شاهزادگان هر ایالت به صورت جداگانه ارتباط برقرار می‌کردند تا در فرصت‌های مناسب با ایجاد اختلاف بین آن‌ها موقعیتشان را تضعیف کنند. کریم‌خان با درک نقش با درک نقش انگلیسی‌ها در منطقه و برتری کمپانی انگلیسی بر فرانسه و مطیع کردن قدرت‌های محلی شاهزادگان هندی با توجه به دریافت خبر پیروزی‌های انگلیسی بر فرانسه در جنگ‌های هفت‌ساله احساس کرد که در صورت جلب مشارکت این کمپانی بهترین فرصت برای برقراری ارتباط تجاری با انگلیس پیش آمده است. کریم‌خان در این اندیشه بود که از حضور قدرتمند کمپانی و بازرگانان انگلیسی، تجارت ایران رونق خواهد گرفت و عواید گمرکی فراوانی به دست خواهد آورد.

نماینده کمپانی در مذاکره با خان زند به این امتیاز دست یافت که به جز دفتر تجاری کمپانی هند شرقی انگلیس هیچ دفتر تجاری خارجی دیگری در بوشهر فعالیت نداشته باشد (رمضانی، ۱۳۸۷: ۷۱). این ماده از قرارداد تا سال ۱۱۸۳ اجرا می‌شد، تا اینکه کمپانی مقرر خود را در بوشهر به دلیل لجاجت‌های هنری مور تخلیه کرد (پری، ۱۳۶۸: ۳۶۸) و به بصره رفت و در این شش سال در بوشهر هیچ کالای اروپایی دیگری به جز کالای انگلیسی دیده نمی‌شد و این نهایت وفاداری حاکم بوشهر و حکومت زند را به اجرای مفاد قرارداد نشان می‌داد و شکوفایی بندر بوشهر (همان؛ ۳۶۶)، را در پی داشت. به طوری که امیدهای کریم‌خان در استفاده از ناوگان‌های کمپانی علیه میرمهنا محقق نشد و حتی مور حاضر به همکاری با میرمهنا شده بود (همان، ۳۶۸). این امر باعث شد که خان زند از ملاقات با نماینده کمپانی خودداری کند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۲۵۷).

اما نهایتاً خان زند در سال ۱۱۸۲ق قرارداد جدیدی که مواد آن بدین قرار است؛ خان زند همه خسارتی را که بنی‌کعب به انگلیسی‌ها وارد کرده بودند، بپردازد، کشتی‌های انگلیسی ایران را در سرکوبی میرمهنا کمک کنند، جزیره خارک به انگلیسی‌ها واگذار شود. در واقع، بر سر بند دوم از قرارداد بود که روابط بین ایران و انگلیس تیره شد؛ زیرا مقرر شده بود که انگلیسی‌ها به خان زند در سرکوبی میرمهنا کمک کنند؛ لذا در سرکوبی میرمهنا در جزیره خارک از سوی انگلیسی‌ها کمکی نشد و بنابراین خان زند به بند سوم از قرارداد که واگذاری خارک به انگلیسی‌ها بود، عمل نکرد و جزیره‌ای را در اختیار آن‌ها قرار نداد (ویلسون، ۱۳۴۸: ۲۰۷). پس از فرار میرمهنا از جزیره خارک انگلیسی‌ها تصمیم به تصرف خارک گرفتند؛ اما حاکم جدید خارک که حسن سلطان بود، اعلام اطاعت به خان زند کرد و تمایلی نسبت به انگلیسی‌ها نشان نداد. بعد از گذشت مدتی که خان زند دریافته بود که برای رونق تجاری باید به هلند و انگلیس نزدیک شود؛ لذا در این راستا، شیخ ناصر بوشهری و شیخ حسن را وادار کرد تا هنری‌مور را تشویق کنند که نمایندگی کمپانی را در بوشهر فعال کند (پری، ۱۳۶۸: ۳۷۱). در پی این درخواست‌ها بود که شورای کمپانی در بمبئی خواستار فرستادن سفیری به نام مورلی به شیراز شد، هنری‌مور با این کار مخالفت کرد و دلیلش این بود که

دولت ایران راضی به خارج کردن سکه از ایران نیست (فوران، ۱۳۸۶: ۱۴۴). تا سال ۱۱۸۹ ق روابط زند با کمپانی تیره بود و کریم‌خان به دلایلی از جمله تل میرمهنا به دست عامل بصره و دخالت عثمانی در سرکوبی بنی‌کعب و پاسخ به لجاجت‌های هنری‌مور و نگرانی از رشد موقعیت تجاری بصره که پس از خروج هلندی‌ها با توجه به گسترش هرج‌ومرج در این سال‌ها مقامات ایک تصمیم به خروج از بندرعباس گرفتند (اسدیور، ۲۵۷). بنابراین تجارت خانه در سال ۱۷۶۱ م تعطیل شده است (سایکس، ۱۳۷۰: ۴۰۵). کریم‌خان در اقدامی به دو عضو کمپانی دستور داد در نامه‌ای از مور بخواهند که دو کشتی را به کریم‌خان اجاره دهد یا بفروشد، آن‌ها به مور داده شد که از واکنش هنری‌مور به این درخواست آگاه بودند، نامه را پاره کردند و خود نامه‌ای محترمانه نوشتند و به بصره فرستادند. کریم‌خان هم‌زمان نامه‌ای به فرماندار بصره فرستاد و از وی خواست با انگلیسی‌ها مذاکره کند و با مطرح کردن مسئله آزادی دو گروه‌گان که در مقابل تحریکات انگلیسی‌ها به دستور خان زند در جریان مصادره کشتی تایگر از کشتی‌های کمپانی هند شرقی اسیر خان زنده شده بودند (مهدوی، ۱۳۴۹: ۱۳۰) و بازگرداندن کشتی و محموله آن، از کمپانی بخواهد کشتی‌هایی را که در بصره دارد، به او بفروشد و یا اجاره بدهد. وقتی که نامه خان زند به مور داده شد، مور در حضور فرماندار بصره گفت اگر کریم‌خان ابتدا دو عضو کمپانی را آزاد کند و کشتی را باز پس دهد این امر را به نشانه حسن‌نیت خان در بمبئی گزارش می‌دهد، وقتی نمایندگان کریم‌خان به مور اعلام کردند که وی حاضر است خارک، بوشهر، بندر ریگ را به آن‌ها واگذار کند؛ اما نهایتاً کمپانی مخالفت کرد (القاسمی، ۱۰۴). سرانجام شورای کمپانی در بمبئی در سال ۱۱۸۹ تصمیم گرفت چهار کشتی از سورات و بنگال به بوشهر بفرستد. گوردن با یکی از این کشتی‌ها به بوشهر آمد، تا با شیخ ناصر درباره بازگشایی کمپانی در بوشهر مذاکره کند. وی وقتی به بوشهر رسید آزادی بیونت را خواستار شد و سرانجام خان زند دستور آزادی بیونت را صادر کرد، گوردن حل اختلاف ایران و انگلیس را به شورا در بمبئی گزارش کرد (القاسمی، ۱۰۷)، اما کریم‌خان در وعده‌ای که به کمپانی داده بود پایبند نبود و نهایتاً سپاه زند بصره را متصرف شد.

نتیجه‌گیری

در بررسی وضعیت خلیج فارس در بازه زمانی حکومت صفویان تا اواخر دوره زندیه، باید گفت؛ از دوره صفویه وضعیت خلیج فارس نسبت به دوران گذشته کاملاً دگرگون شد به طوری که پدیده استعمار که قبل از آن وجود نداشت از این دوره به بعد به وجود آمد. در این میان، این پدیده که با ورود کشور پرتغال به خلیج فارس آغاز شد، بعد از آن پرچم‌دار آن هلند که خود را جانشین پرتغال می‌دانست و انگلیس بودند که رقابت‌های این دو کشور، بر سر به دست آوردن سود حاصل از تجارت انحصاری ضربه

سنگینی را به تجارت سنتی و داخلی وارد کرد، در دوره زندیه نیز از آنجایی که دولت مرکزی نتوانسته بود قدرت خود را بر حکومت‌های محلی حفظ کند؛ لذا این حکومت‌های محلی، باعث وخیم‌تر شدن وضعیت این منطقه به لحاظ سیاسی و اقتصادی می‌شدند؛ اما حکومت مرکزی گاه از سیاست اتحاد با دولت استعماری علیه حکومت محلی و گریز از مرکز استفاده می‌کرد.

منابع

- آلفونس، گابریل، (۱۳۴۸) تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، چ ۱، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، تصحیح هومن خواجه نوری، تهران: ابن سینا.
- امیری، عباس، (۱۳۷۰) خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست‌های بین‌المللی، تهران: مؤسسه پژوهش‌های سیاسی اقتصادی بین‌المللی.
- اسدپور، حمید، (۱۳۸۷) تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اسدی، بیژن، (۱۳۶۸) خلیج فارس از دیدگاه آمار و ارقام، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، .
- الهیاف همایون، () خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس، چ ۲.
- اقتداری، احمد، (۱۳۴۵) خلیج فارس، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۵.
- امین، عبدالامیر، (۱۳۹۰) منافع بریتانیا در خلیج فارس، ترجمه علی رجیبی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- امانی، محمد، (۱۳۹۰) بررسی نقش سیاسی اقتصادی خلیج فارس در دوره زندگی و اوایل قاجار، سیستان بلوچستان؛ دانشگاه سیستان.
- پری، جان، (۱۳۶۸) کریم خان زند، ترجمه محمدعلی ساکی، تهران: نشر نو.
- تی‌بور، کاریستین، سفرنامه تیبور، ترجمه پرویز رجیبی، تهران: توکا.
- رضانی، عباس، (۱۳۸۶) معاهدات تاریخی ایران، تهران: ترفند.
- سایکس، سرپرسی، (۱۳۷۰) ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، چ ۵، ج ۲، تهران: دنیای کتاب.
- سیوری، راجر، (۱۳۷۷) خلیج فارس از دوران باستان تا قرن هجدهم، ترجمه حسین زنگنه، قم: نشر همسایه.
- شعبانی، رضا، (۱۳۷۱) مختصر تاریخ ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، چ ۱، تهران: سخن.
- فلور، ویلم، (۱۳۶۸) حکومت نادرشاه، ترجمه ابوالقاسم سری، چ ۱، تهران: توس.
- فلسفی، نصرالله، () تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، تهران: ناشر مؤلف.
- ملکم، سرجان، (۱۳۶۲) تاریخ ایران، ترجمه مرتضی حیرت، به کوشش مرتضی سیف، چ ۱، ج ۱، تهران: یساول.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، (۱۳۶۹) تاریخ روابط خارجی ایران، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
- نشات، صادق، (۱۳۴۵) تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران: شرکت نسبی کانون کتاب.
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۶) ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران: هما.
- ویلسون، آرنولد، (۱۳۴۸) خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، چ ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- والادا، ر، (۱۳۶۴) خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه شفیع جوادی، تهران: کتاب سحاب.

